

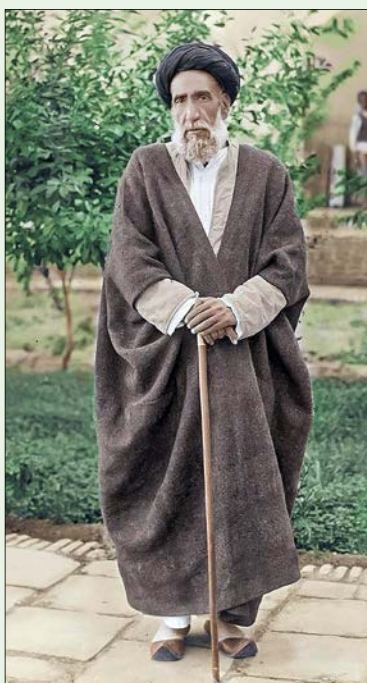


فرق دارد؛ موکب راه و موکب کنار راه فرق دارد. حتما هستند دشمنانی که با انقلاب اسلامی مخالفت کنند و سنگ بیندازند.

جریان تحریف داخلی و خارجی، هر دو هست. خدا در این مقطع اراده به اکمال دارد و تلاش جبهه شیطان به جایی نمی‌رسد.

■ **نکته پایانی و ناگفته‌ای اگر هست، بفرمایید.**

امام خمینی بنده متواضعی بود که هرگز منیتی نداشت و خود را ندید. خدا او را دید. آنقدر نزد خود کوچک بود که خدا بزرگش کرد. امیدوارم جوان‌ها درسی بگیرند و بدانند که مشهور شدن، ابتدای نزد ملائک و در مسیر خداست و بعد شهرت زمینی می‌آورد. امام مستحیل در حق شد و خدا هم او را برای مسیر برنامه‌هایش انتخاب کرد.



از منظر دلسوزانه، می‌گوید من تو را نصیحت می‌کنم، اما شاه مزدور بیگانگان است و نمی‌تواند در مسیر الهی قرار بگیرد. او امام را تبعید می‌کند. همان مسیری که برای مدرس هم پیش آمد. اما جالب است که برخلاف مدرس امام را حذف نکرده اما انتقام را از فرزند ارشد ایشان می‌گیرد. اما امام با شهادت فرزندشان هم با شهامت بزرگوارانه رفتار کرده و می‌گوید خدا به من هدیه داد. او در مسیر الهی است.

امام اواخر دهه ۴۰ گمنام‌ترین مرجع تقلید است بقیه رساله دارند و دفتر و شناخته شده‌اند اما امام که از همه گمنام‌تر است، با نصرت خداوند، خدا او را مشهورترین شخصیت سیاسی قرن کرد. با یک مقاله موهن که یکی از عوامل ساواک در روزنامه اطلاعات نوشت، با نام مستعار امام یک دفعه در مسیری وارد شد که به زعم بنده، او را به مشهورترین شخصیت قرن بیستم بدل کرد.

■ **ما از امام، به عنوان متحول‌کننده‌ترین شخصیت نه فقط سیاست‌مدار، بلکه رهبر مردمی یاد می‌کنیم و ابعاد مختلفی، بسیار فراتر از سیاست دارد، اما تحت تاثیر جریان تحریف، آسیب دیده و تصویر درستی از او ارائه نشده است.**

مشخص است، چون می‌خواهند دیگر کسانی مانند امام در مسیر الهی گام‌های بلند برندارند. مخالفان مسیر الهی این کارها را می‌کنند. می‌گویند شخصیت دیگری مثل امام نباید پیدا شود، اما معتقد نیستم که موفق شده‌اند. در آخر الزمان که یک روز و یک هفته و سال نبوده و می‌تواند چندین دهه باشد، کفار خیلی سعی می‌کنند نور... را فراموش کنند اما خدا اراده کرده آن را کامل کند و چنین می‌کند. آبرویی است که خداوند به ما عطا کرده و قرار است یکی از موکب‌های ظهور باشیم، ما در مسیر الهی هستیم. البته حتما هستند کسانی که در بیراهه‌ها و جاده‌های فرعی، موکب بزنند. اصالت با عدم اصالت

می‌دادند «مرگ بر مدرس!». مدرس می‌ایستد و می‌گوید: «مرگ بر خودتان! زنده باد مدرس!»

یک انسان این را ببیند می‌گوید وای مدرس چه انسان متکبری بوده اما این طور نیست، باید دید چقدر نظام‌مند بوده و چقدر خودش را در مسیر الهی دیده. او خود را نه، که مسیر را دیده. این جا زنده باد مدرس یعنی زنده باد برنامه‌ی الهی. و مرگ بر شما یعنی مرگ بر هر کسی که مقابل این جریان می‌ایستد. اگر این درک را از مدرس داشته باشیم، می‌فهمیم، اوست که با این درک می‌تواند جلوی استبداد رضاخانی بایستد. او برنامه خدا را می‌بیند و در واقع می‌گوید زنده باد برنامه خدا!

روزی رضا خان به مدرس می‌گوید:

«سید! تو از من چه می‌خواهی؟» و مدرس می‌گوید: «همان جانت را!»

امام هم با همین سبک، با پسر رضا خان حرف می‌زند. کی صحبت می‌کند؟ در درست‌ترین زمان ممکن که لایحه‌ی کاپیتولاسیون است و آحاد ایرانی‌ها تحقیر شده‌اند، اعتراض می‌کند و فریاد می‌زند. پس هوش اجتماعی امام این است که جایی سخن می‌گوید که حداکثر جامعه، ظرفیت پیوستن به برنامه‌ای الهی داشته باشد؛ خدا تو را عزیز می‌خواهد!

خدا می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَنَاءِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

خدا به بنی آدم کرامت داده؛ نمی‌گوید مسلمانان یا شیعیان یا مقلدان شخصی خاص! یعنی خداوند بنی آدم را کریم آفریده؛ چرا شاه آمده و این مردم را حقیر فرض کرده؟!

امام، با همان لحنی که مدرس با رضا خان حرف زده با محمدرضا حرف زده و می‌گوید:

«آقای شاه! به داد خودت برس!»

و کفار، ایشان را مصداق بارز اقتدار، سرکشی و مقاومت.

■ **هرگز برایش نام خودش مهم نبود و می‌گفت مهم**

این است که در برنامه الهی از من چه می‌ماند.

این جمله شما مراد آن بیان امام می‌اندازد که اگر یک وقتی یک نظری داشتند که همه با ایشان مخالف بودند و ایشان معتقد بود که این نظر، نظر الهی و شرعی و درست است، می‌ایستاد و می‌گفت همه‌ی دنیا [هم] با من مخالف باشند، باشند. و کسی اگر بخواهد این را در قالب رفتار فردی ببیند، مطمئناً از آن استبداد فردی استنباط کند اما این کاملاً غلط است.

و اگر کسی این را در مسیر برنامه الهی ببیند، حس می‌کند من موظفم در مسیر جناح خدا بایستم و خدا من را هدایت می‌کند.

■ **دورترین برداشت این است که امام تکبر دارد.**

بله از نام خود حاضر است بگذرد اما از مرام الهی نه. اما در شخصیت‌های معاصر از مرحوم شهید مدرس چند بار نام برده است.

سیاستمداران روحانی عصر مشروطیت کم نبودند؛ طباطبایی، بهبهانی، آخوند خراسانی، اما به مدرس ارادت دارند. چند نوبتی می‌گویند که من مجلس آن دوره را دیده بودم. مدرس که می‌آمد مجلس جور دیگری می‌شد. مدرس مرجع تقلید نبود اما انسان مصلحی بود که هم در عصر مشروطیت مقابل سلطه بیگانگان ایستاد و هم در عصر رضاخانی مقابل استبداد رأی رضا خان ایستاد. روزی بیرون مجلس تظاهراتی بوده. آدم‌هایی می‌آیند به نفع مدرس شعار می‌دهند. می‌گوید اگر همه این‌ها بگویند مرگ بر مدرس برای من فرقی نمی‌کند، اگر هم بگویند درود بر مدرس فرقی نمی‌کند.

■ **مثل همان جمله امام.**

بله امام هم در حسینیة جماران همین را می‌گویند. جای دیگری هم مخالفان مدرس علیه او شعار